

خود یابی و همیاری

اگر زمانی، بنا به تنبلی ذهنی و پذیرش هر چیزی که نسلهای قبلی به ما می‌گفتند، عادت کردن به کهنگی و عدم آشنائی با چیزی بنام حقوق فردی، غلظت فرهنگ کهنه و بنا به هزار دلیل دیگر، بر این باور بودیم که جنسیت، نیازهای جنسی، سلیقه و ذائقه‌های سکسی افراد همه همگون و یکسانند و بر این باور بودیم که سکس یعنی ازدواج و بعدش هم زن بخوابد و مرد پاهایش را هوا کند و دو دقیقه بعد، هردو "راضی و خوشبخت" بخواب خوش روند، اما امروز میدانیم که چنین دید و فرهنگی چه کلاه گشادی که سر ما ایرانیان نگذاشته. چه محرومیتها که افراد با خود به گور نبرده و چه حسرتها که در زیر لحاف و پتوها کشیده نشده.

امروز، تعداد کثیری از ما ایرانیان میدانیم که نیاز و کشش جنسی افراد مثل هر مسئله دیگر یک مسئله شخصی است. همانطور که سلیقه‌های افراد در انتخاب لباس، نوع غذا، موسیقی، رشته تحصیلی و دیگر مسائل متفاوت است، ذائقه‌های جنسی انسانها هم به همان شکل مختلف می‌باشد.

امروز، از ظاهر قضایا این چنین برمی‌آید که ما ایرانیان برای دست‌یابی به دمکراسی و حقوق شهروندی، خیز برداشته‌ایم و این یک قدم اولیه و بسیار مثبت می‌باشد، اما لازمه دمکراسی این است که افراد و گروههای مختلف اجتماعی، حول نیازها و خواسته‌های مشترک خود، جمع شده و همزمان با بدست آوردن اطلاعات کافی از نیاز و خواسته خود، بتوانند مصممانه، برای نیازهای اجتماعی خود، بصورت گروهی کار کنند. به جامعه اطلاعات بدهند و زمینه را برای تغییر افکار عمومی آماده کنند.

برای موفقیت در اینکار، قبل از هرچیز باید با این ذهنیت که "بابا حالا حالاها این مردم عوض نمی‌شوند" و امثال اینها را از خود دور کنیم.

تجربه کشورهای آزاد، این را نشان می‌دهد که مردم آنها هم از همین راه توانسته‌اند جنبشهای وسیع خواسته‌های اجتماعی مختلف را راه بیندازند، برای آنها مبارزه کنند و در آخر هم جامعه را به قبول آن وادارند. ما ایرانیان هم راهی جز این نداریم. باید از جایی شروع کنیم و گرنه، در، همچنان بر همان پاشنه کهنه خواهد چرخید.

جنبش اجتماعی دانشجویان، جوانان، زنان، همجنسگراها، طرفداران سقط جنین، طرفداران محیط زیست و اقلیتهای اجتماعی دیگر در اواخر دهه شصت میلادی در اروپا، آنچنان تاثیر عمیقی برجا گذاشت که جوامع اروپایی را در عرصه جنسیت دچار تغییرات شگرفی کرد و ما امروز نتیجه آن را می‌بینیم. چرا ما ایرانیان نباید بتوانیم از تجربیات مثبت ملت‌های دیگر استفاده کنیم؟ چرا ما محک صداقت نیروها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در گفتارشان را همانا، جرئت و صداقت آنها در طرح مسائل جنسی و ارائه راه‌حل پیشنهادی قرار نمی‌دهیم؟ چرا ما نباید با تلاش برای آگاه‌گری اجتماعی حول تنوع در مسائل جنسی، به مسئولیت فردی و اجتماعی خود عمل نمی‌کنیم؟ چرا ما نمی‌خواهیم برای آزادی روان خود، مسئولیت قبول کنیم؟ تا کی می‌خواهیم به فرهنگ اجتماعی که میدانیم، تنوع را قبول ندارد، ضد ارزش است و خواسته‌های انسانی ما را سرکوب می‌کند، باید اینهمه احترام بگذاریم یا تسلیم فشارهای آن شویم؟ این را بدانیم که تا ما حرکتی نکنیم، آب از آب تکان نخواهد خورد.

هر ملتی زمانی به آزادی و دمکراسی می‌رسد، که فرزندان آن ملت حاضر و آماده باشند که قدمهای عملی برای عمل کردن به مسئولیت خود را، بردارند.

فرهنگ جنسی حاکم در جامعه ما یک فرهنگ کهنه، پر از خرافات و بی‌منطقی است. ما باید

بتوانیم چنین فرهنگی را به چالش بکشانیم. برای اینکار چند پیشنهاد می‌دهیم:

- حول نیاز و کشش جنسی خود، تا آنجا که می‌توانیم اطلاعات علمی جامعی بدست آوریم.
- اگر تو ایران امکانش نیست، اینترنت بهترین جا برای کسب اطلاعات است.
- یادمان باشد که ما یک بار زاده می‌شویم و فقط یکبار امکان زندگی کردن داریم، پس این زندگی را همانطور که خودمان می‌خواهیم باید سازمانش دهیم نه اینکه بگذاریم دیگران برای ما تصمیم بگیرند که چطور باید زندگی کنیم.
- منتظر نشینیم که دیگران برای ما کار کنند، خودمان هم باید دست بکار شویم.
- با نیازها و گرایش‌های جنسی دیگران که مثل ما نیستند اما آنها هم در زیر فشار فرهنگ اجتماعی سرکوب میشوند، با احترام برخورد کنیم. به آنها هم حق دهیم که آنها هم باید بر اساس نیازها و خواسته‌های خود زندگی کنند و از حق آزادی آنها دفاع کنیم. ما تنها زمانی میتوانیم از دیگران بخواهیم به ذائقه و سلیقه جنسی ما احترام بگذارند که قبل از آن، خودمان بتوانیم هم خود را قبول کنیم و هم به ذائقه‌های مخالف خودمان احترام بگذاریم.
- اگر بتوانیم، برای آشنا شدن و یافتن افرادی که مثل خود ما هستند، تلاش نمائیم و با آنها در باره ضرورت دور هم جمع شدن و تشکیل گروه حمایتی، تبادل تجربیات و همینطور انتشار اطلاعات برای جامعه، صحبت کنیم و با افرادی که تمایل به اینکار دارند، گروه حمایت تشکیل دهیم.
- در باره امکان ایجاد، گروه‌های "پوششی" فکر کنیم که آیا میشود مثلاً تحت نام یک گروه نیمه علنی، دور هم جمع شویم یا نه.
- اگر امکان عملی چنین کارهایی در جامعه وجود ندارد، اینترنت بهترین امکان است.
- میتوان یک پایگاه ساده، بدون شاخ و برگ‌های اضافی تهیه کرد با یک آدرس پست الکترونیکی برای علاقمندان که تماس بگیرند و یک سری اطلاعات در باره مسئله خاص خودمان. (دوستانی از علاقمندان به سکس ضربدری گویا یک چنین پایگاهی درست کرده‌اند اما متأسفانه طوری آن را درست کرده‌اند که هر کسی میتواند آنجا برود و هر چی خواست بنویسد. البته این کار خوب است اما اشکال آن این است که کارها و پیام‌رسانی‌های افراد تو هم میشود و معلوم نیست چه کسی مسئول آن است)
- در کنار این مسائل، درباره اهمیت و ضرورت تغییر فرهنگ جنسی حاکم، با دوستان، نزدیکان، همکاران، همکلاسی‌های خود و در خانواده صحبت کنیم. اگر به جلسه سخنرانی می‌رویم و امکان سؤال کردن داریم، اینگونه سئوالات را بصورت علنی در جمع مطرح کنیم.
- اگر با گروه خاصی یا شخصیت‌های اجتماعی در رابطه هستیم، با آنها در اینبار صحبت کنیم. اگر بتوانیم، به هر گروه، دسته، مجله، روزنامه، تلویزیون و..... نامه بنویسیم، حتماً اینکار را بکنیم. حتی نامه‌های ساده و بدون اسم (اگر امکان نوشتن نامه‌های رسمی نداریم). خلاصه تا آنجا که میتوانید فرهنگ جنسی حاکم را به زیر علامت سؤال ببریم.
- تنها در این صورت است که خواهیم توانست، مبحث جنسیت را وارد گفت‌وگوهای رسمی کنیم و آنموقع است که جرعه تغییرات زده خواهد شد. تلاش جمعی همه گروه‌های جنسی، فشارهای موجود را کمتر و جبهه وسیعی را در برابر آنچه که "رسمی و عمومی" تلقی میشود، ایجاد خواهد کرد و بدینوسیله یک جنبش وسیع اجتماعی برای آزادی جنسی در ایران برآورد خواهد افتاد. وحدال زندگی را برای نسل‌های آینده، رقم خواهد زد.
- سه‌کاف حاضر است در اینبار، تا حد امکان، باشما همراه شود، از جمله معرفی پایگاه شما و یا اعلام خبر تشکیل گروه و انجمن شما.

یک سه کافی در فرمانیه

من زنی هستم ۲۴ ساله، که تو فرمانیه زندگی میکنم. من تنها هستم. شوهرم چندین و چند سال است که به یک شهر دیگر رفته. قرا بود بعد از جور کردن شرایط منو هم به اونجا بره. اما تو این همه سال حتی به تماس تلفنی هم نداشته و می‌شه گفت که منو فراموش کرده. البته میدونم زنده هست و مشغول کارهای خودش. من ساده هم تو این مدت فکر میکردم که او به وعده خودش عمل میکنه؛ به همین خاطر اینهمه سال که بهترین دوران زندگی سکسی من میتونستن باشن، را فقط به این خاطر از دست دادم. خیلی وقتها می‌تونستم از تنهایی خودم استفاده کنم اما این کار رو نکردم. تو این مدت به دلیل کمبودی که از مسائل عشقی پیدا کرده بودم، کارم شده بود تماشا کردن روزی یکی دوتا فیلم عاشقانه: بر باد رفته، ربکا، رومئو و ژولیت، تایتانیک و.....بقیه اوقات بیکاری‌ام را هم با دیدن شو و تماشا کردن بورداها (بیشتر مردانه) می‌گذراندم و تنها سکس من شده بود این که به تلویزیون روبروی تختم گذاشته بودم و شبها قبل از خواب لخت می‌شدم و با دیدن فیلمهای سکسی خودم را می‌مالوندم تا خوابم بره. اما این هیچوقت منو ارضا نمی‌کرد.

تنها رابطه اجتماعی من شده اینکه هر دو هفته یکبار به خونه دوستم مریم می‌روم و چند ساعتی پیشش می‌مونم. مریم ازدواج کرده و بچه‌دار است.

اما نقطه زندگی من این بود که یک روز که پیش مریم رفته بودم، او منو پیش کامپیوترشون برد و ازم خواست که فقط نگاه کنم و حرف نزنم. بعد یک صفحه نشونم داد که توش چندتا عکس سکسی بود و یه سری نوشته که بدون هیچ سانسوری از آلات زن و مرد نوشته شده بود.

مریم با آب و تاب خاصی با موس یه دونه از اون نوشته‌های کوتاه رو انتخاب کرد که نوشته بود:

<< کیر سرداری >>، یه صفحه جدید که آمد، یه متن بلند بود و بعد گفت اینو بخون!

من هم شروع کردم به خوندن. چقدر جالب بود؛ یه دختر جوون ابرونی از رابطه‌اش با یه مرد، بدون هیچ کمرویی و سانسوری حرف زده بود، بخصوص که خیلی هم حشری کن بود. از مریم خواستم تا اگه بازم هست برام بذاره. بعد یکی دیگه رو انتخاب کرد؛ نوشته بود: << شکوه جون >> شروع کردم به خواندن. احساس کردم که با شکوه تقریبا همدرد هستم. خیلی کنجکاو شده بودم و تعریفهای شکوه داشت حشری‌ام میکرد.

بعد از مریم خواستم دوباره برام عوضش کنه. اینبار <> را انتخاب کرد.

هردوتایی شروع کردیم به خوندن. برای من چه لذتی داشت!!!

بعد از اون صفحه را عوض کرد. این بار یه سری عکس جدید اومد. بعد یکی رو انتخاب کرد که نوشته بود: << سفر رماتیک تهران >> این یکی را یه پسر تعریف کرده بود.

شروع کردم به خواندن. خدای من انگار که من هم اونجا بودم. کم‌کم احساس کردم که دارم دیگه حسابی حشری می‌شم، سر سینه‌هام داشت تحریک می‌شد.

مریم کار کردن با اونو بهم یاد داد و خودش بلند شد و رفت تو آشپزخونه. من با دهن کفی یکی یکی شروع کردم به خواندن.

اگه هزارتا فیلم می‌دیدم، بهم به این اندازه حال نمی‌داد. بعد از خوندن چندتا از داستانهها

دیگه شرتم کاملا خیس شده بود. دلم می‌خواست من قهرمان یکی از اون داستانهها می‌بودم. دوست داشتم یه نفر توی پامو می‌خورد، اما چاره‌ای نبود جز اینکه خودم با دست نوازشش کنم.

کیست توی پام یواش یواش داشت از شلوارم بیرون می‌زد. سریع رفتم پیش مریم و ازش پرسیدم این دیگه چیه؟ این برنامه رو از کجا آوردی؟

گفت: این برنامه نیست، یه سایت اینترنتیه که پیدا کردم. مریم گفت اون سایت، رابطه اون و همسرش

رو زیادتر کرده، طوری که خود شوهرش هم گیج شده و توی تعجب مونده.

بعد از آمدن سوهوهر مریم، عریع خودمو به خونه رسوندم. از دم در که در را باز کردم، شروع کردم به لخت شدن؛ همونطور که از پله‌ها بالا میرفتم، یه تیکه در می‌آوردم، طوری که وقتی تو حال رسیدم، فقط شرت و کرستم مونده بود، مثل دیوونه‌ها شده بودم. آخه حق داشتم. سالها بود که خودمو محروم کرده بودم. شرت و کرستمو در آوردم، توی پاهام خیس خیس بود. سریع لاپامو گذاشتم روی دسته چوبی مبل و در حال مالوندن پستونام، جلو- عقب می‌رفتم. بعد از سالها، لذت عجیبی به من می‌داد. بعد از مدتی که اینکار را ادامه دادم، بی‌حال روی مبل افتادم و تو یاد اون نوشته‌ها بودم. وقتی حواسم سر جاش آمد، شب شده بود. سریع گوشی رو برداشتم و با مریم تماس گرفتم. بعد از کمی صحبت قرار شد که شوهرش فردا صبح برام یه کامپیوتر سفارش بده. از اون شب به بعد دیگه هیچوقت تو خونه لباس نمی‌پوشم و همیشه حتی موقع غذا خوردن، تلفنی صحبت کردن، نگاه کردن به تلویزیون، دستسویی رفتن و... همیشه لخت هستم. یک نودیست کامل و با اومدن کامپیوتر و سایت <<سه کاف>> به خونه‌ام، این کار بیشتر به من لذت میده.

دیگه وقتش شده بود که تلسم رو بشکنم. یه روز یه کرسست بستم که سینه‌هام کاملا سیخ شه، یه شلوار بنفش خوش رنگ که تا روی ساق پامو می‌پوشونه، و قشنگترین مانتومو که تا زیر زانو هست، پوشیدم و دکمه پائینی رو باز گذاشتم و آرایش کرده، مثلا برای خرید رفتم گلستان.

چه خبر بود!!!! بیست تا ماشین میخواستن سوارم کنن. همه‌شون مامانی. اما من ایجوریشو دوست نداشتم. برای من ماشین و موبایل معنی نداشت. کسی که به تورم خورد، پسر یه فروشنده بود. خوشگل و خوش تیپ ۴-۲۳ ساله، که آروم و بی‌خطر به نظر می‌آمد. اسمش آرش بود. شماره‌شو گرفتم و فردای اون روز براش زنگ زدم. بیشتر با هم آشنا شدیم. پسر خوبی بود و مجرد. جالب اینه که او فکر کرده بود من دختم.

بعد از چند روز، شام دعوت‌اش کردم، قبول کرد. می‌خواستم تمام عشق و محبت ذخیره شده توی قلبم رو بهش بدم، اما بیشتر برای ارضای خودم چون دیگه من یک سه‌کافی شده بودم. قبلش هم چندتایی کاندوم دست و پا کردم و تو کشو تخت گذاشتم. بعد حموم رفتم و با تیغ توی پامو صاف و صوف کردم.

بع از پختن ۳-۲ جور غذا و آماده کردن مشروب، چون دیگه نزدیک بود که بیاد، رفتم و لباس پوشیدم بدون اینکه کرسست ببندم؛ یه تاپ صورتی پوشیدم و بدون اینکه شرت پام کنم، یه شلوارک سفید چسبان پام کردم.

آرش آمد و از همان لحظه ورودش به خونه، کسم بی‌تابی میکرد.

شروع کردیم به خوردن شام و مشروب. بعدش کلی با هم گپ زدیم و خندیدیم. نگاه‌های آرش ناخودآگاه به سمت بدن من منحرف می‌شد. دلش میخواست بگه ولی معلوم بود روش نمی‌شه. فکری به سرم زد؛ بلندشدم و کامپیوتر را روشن کردم و روی یکی از صفحات حشری کن سه‌کافی گذاشتم. ازش خواستم تا پشت کامپیوتر بشینه. خودم به اتاق خواب رفتم؛ کاملا لخت شدم و روی تخت دراز کشیدم. بعد از پنج دقیقه منو صدا زد. جواب ندادم، بعد از چند ثانیه اومد و در زد. بهش گفتم بیا تو عزیزم. بعد از اینکه مطمئن شدم اومده تو اتاق، چشممو بستم. احساس کردم رو سرم وایستاده. گفتم: بیا منو بخور.

هنوز حرفم تمام نشده بود که لبش رو روی انگشت پاهام حس کردم؛ چقدر روح‌انگیز پاهامو می‌بوسید و لیس می‌زد. همینطور رو به بالا حرکت میکرد. وقتی روی رانهایم را می‌لیسید، مثل اینکه جریان یه برق خیلی ضعیف به بدنم وصل شده بود. شروع کرد به خوردن توی پام و هنوز چند ثانیه از لیسیدن کسم نگذشته بود که ناخودآگاه جیغم در اومد، داد می‌زدم و می‌گفتم: کسم مال تو، همش مال تو، پاره‌اش کن.

بعد بالاتر اومد و شروع کرد به خوردن پستونام. من هم همچنان داد می‌زدم. کیر گرم و بزرگشو چسبونده بود به رانم. من هم تمام شهوت تنم رو با فشار دادن خودم به آرش تو تنش خالی می‌کردم. با دستاش کسمو می‌مالوند و جیغم رو درآورده بود. داشتیم زبون همدیگه رو قورت میدادیم. چه لذتی داشت، باورم نمی‌شد که به کیر به من چسبیده. با التماس گفتم: من کیر می‌خوام، کیر می‌خوام! سریع بلند شد و شلوارشو کشید پائین. من هم مثل ندید بدیدها به سمت کیرش حمله بردم، با یه حالت تندی آرش رو به پشت خوابوندمش رو تخت. بالا تنه‌اش رو هم درآوردم. کیرشو که محکم تو دستم بود، لای سینه‌هام گذاشتم. چه لذتی، چه کیری.

کیرشو به همه جام مالیدم، تمام صورتمو کیری کردم. یه پنج دقیقه‌ای فقط اینکار را می‌کردم، فقط مونده بود دهنم.

اول با زبون زیر کیرشو لیس زدم، بعد که صدای آه و اوهش در اومد، کیرشو تا ته کردم تو دهنم و تا تا اونجا که تونستم، خوردم.

حالا دیگه هردوتایی وحشی شده بودیم؛ آرش از شدت حال کردن، بازو هامو گرفته بود و داشت اونا رو می‌خورد، من هم که خوشمزه‌ترین میوه هردو جهان تو دهنم بود.

کس ام می‌خارید. سریع بلند شدم، کاندومها رو درآوردم و ازش خواستم یکیشو سوار کنه، اما قبل از اون از تو جیب شلوارش یه چیز کوچکی شبیه اسپری آسمی‌ها درآورد و به کیرش زد. کیرشو گذاشتم در سوراخم و آروم فرو بردمش تو. هردوتایی یه آه‌هه... بلند کشیدیم، منتهی او کلفت تر.

الان دیگه کاملاً رو کیرش نشسته بودم. شروع کردم به بالا و پائین رفتن. یه حالت عجیبی توی کس ام احساس می‌کردم؛ وصف ناشدنی. دوست داشتم به جز کیر آرش دوتا کیر دیگه هم تو کسم می‌بود.

بعد از کمی بالا و پائین رفتن، منو به پشت رو تخت خوابوند و درحالی که پاهام رو شونه‌هاش بود و اونا رو می‌بوسید، کیرشو تا ته چیوند تو کس ام و شروع کرد به تلمبه زدن. بجز صدای آه و اوه ما دوتا و صدای چلپ و چالاپ برخورد رونه‌هاش با لمبرهام، هیچ صدای دیگه‌ای نبود.

اوج لذت من تو اون لحظه، گویا یه سکوت اجباری رو به من تحمیل کرد، دیگه قفل کردم، برای مدتی حتی یه آه هم نتونستم بگم، احساس کردم رگهای بدنم می‌خوان بترکن. بعد از چند ثانیه جیغ بلندی کشیدم و فهمیدم که برای اولین بار تو عمرم، ارگاسم شده‌ام، لذتی که هیچوقت به من دست نداده بود. چون اون خر فقط از سکس اینو می‌فهمید که ۳-۴ دقیقه تلمبه بزنه و بعد از خالی کردن، تن لش اش رو می‌انداخت و می‌خوابید.

آب آرش هنوز نیومده بود. کیرشو در آورد و ازم اجازه خواست که بکنه تو کونم. من که اول مخالفت کردم، اما دل به دریا زدم و بیاد نوجوونی‌ام، بهش اجازه دادم، کاندومشو که عوض کرد، پاهامو تا ته بالا زد؛ طوری که زانو هام اومده بودن کنار سرم و تقریباً خودم، کس ام رو می‌دیدیم، کونم هم که کاملاً تو هوا بود. کیرشو گذاشت سر سوراخ کونم و فشار داد. خیلی سخت سرشو تو کرد. کونم داشت پاره می‌شد. ازم خواست طاقت بیاورم، هی میگفت الان خوب می‌شه. آروم آروم تمام کیرشو تو کونم احساس می‌کردم. از درد نفسم بند اومده بود. داشتم به گریه می‌افتادم. بعد از کمی تکون ملایم، یواش یواش از دردش کم شد تا جایی که با بالا-پائین رفتن آرش، به اندازه کس دادن، بهم حال می‌داد. حالا دیگه از درد شدید خبری نبود، گشاد گشاد شده بود. در حالی که دستاش رو سینه‌ام بود، کونمو می‌گائید، عرق رو پیشونیش جمع شده بود، سرعت تلمبه زدنشو زیاد کرد، فک پائینشو جلو داده بود. بعد سریع کیرشو بیرون کشید و کاندوم رو درآورد و آبشو رو کس ام خالی کرد. بعد روی من افتاد و محکم تو هم گره خوردم. اون شب با هم رفتیم حمام. اونو دیگه تعریف نمی‌کنم، جاتون خالی، ولی خیلی کس و کیر خوردیم

و بعدش تا صبح محکم تو بغل هم خوابیدیم. این رو هم بگم که فرداش قبل از رفتن آرش، ازش خواستم که دوباره منو بکنه و بعد بره. آرش، هم، جور کمبود سکس منو کشید و هم کس محتاجم رو پر از کیر کرد.

من هنوز با آرش دوست هستم و شاید وقتی شما اینو می خونین، من در حال مزه کردن میوه دوجهان آرش باشم. اون قدر حشری ام که حالا حالاها باید هر شب کیر کنم. راستی همین الان که اینو هم می نویسم، حشری هستم و طبق معمول لخت لخت. به خوانندگان سه کاف پیشنهاد می کنم وقتی با طرفتون هستین، برای دسر به جای فیلم سوپر از سایت سه کاف استفاده کنین، چون اشتهاتونو خیلی بیشتر می کنه و هم خیلی اعتماد به نفس توی سکس رو بیشتر می کنه. در آخر، از همین جا به دوست خودم، مریم که می دونم یه سه کافی پر و پا قرصه و اینو می خونه، سلام می دم و می خوام بدونه که من خیلی دوستش دارم.



در پاسخ به مطلب "صیغه و دوم خردادیها"

چندی پیش نوشته ای از "دوم خردادیها" خواندم (صیغه و دوم خردادیها - سه کاف ۱۴ تحت عنوان "نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" که نویسنده تلاش کرده بود بقول خودش بروشی "کاملا علمی" و ضمن اتکا به "عقل جامعه" ثابت کند که صیغه " امری شایسته می باشد." این هم چکیده دلایل ایشان:

- ۱- از آنجا که در هیچ جامعه ای آزادی محدود نیست لذا " آزادی را باید به توافق گذاشت." و گویا از نظر ایشان صیغه نوعی توافق اجتماعی است.
- ۲- رابطه جنسی یک نیاز است. "لیکن در این نیاز " آدم برای کامیابی "جنسی خود مایل به قبول محدودیت نیست." بنابراین " مبنا می شود رضایت طرفین در کار جنسی."
- ۳- هزینه ازدواج بالاست. بنا براین باید بدنبال روابط جنسی رفت که " بر اساس رضایت

طرفین و پای‌بندی به قواعد عرف (هنجارهایی که برای حفظ جامعه ضروری‌اند) باشد.

۴ - "ورد و ذکر" صیغه چون "مبتنی بر قواعد و عرف جامعه است لازم هستند".

۵ - صیغه "چون متضمن تعهدات قانونی در قبال شریک جنسی بوده و بار مالی هم تحمیل نمی‌کند"، لذا در جامعه مدرن راه حل مناسب کامیابی جنسی است.

نویسنده مقاله به نقش تاریخی صیغه و کارکرد اجتماعی - فرهنگی آن توجه نکرده است. نویسنده فنلاندی میکا والتری در کتاب "سینوهه" نشان می‌دهد که از حدود ۳۵۰۰ سال پیش تاکنون کاهنان و معابد همواره از درآمد نگهداری تعدادی زن و دختر جوان و ترغیب افراد جوان به ازدواج موقت با آنان امرار معاش کرده‌اند. در ایران، هندوچین و در عربستان قبل از اسلام نیز شاهان، امرا و فئودال‌ها از ازدواج موقت برای مشروع جلوه دادن حرمسراهای خود مدد می‌جسته‌اند. در این گونه روابط پشیمی هم برای کلاه پاسداران دین و پاندازان و خواجهگان جوراجور حرم می‌رسیده است. جیمز موریه در کتاب "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" (ترجمه دانشمند ایرانی میرزا حبیب اصفهانی) از آخوندی بنام عماد الاسلام سخن می‌گوید که مسجدی را قرق کرده و تعدادی زن حاضر به صیغه در آن آماده به خدمت دارد. عمادالاسلام توسط قوادان و دلالان محبت مشتری جلب می‌کند و از اینراه پول هنگفتی به جیب می‌زند. گواهی تاریخی جیمز موریه تنها مشت نمونه‌ی خروار است. نه تنها در زمان قاجار، بلکه بصورتی پیوسته تا به امروز صیغه همواره به عنوان کلاه شرعی، به ترویج فحشا کمک کرده است.

تقریباً کلیه‌ی اماکن متبرکه (از صحن امام رضا گرفته تا معصومه‌ی قم، شاه چراغ شیراز و مساجد معروف) محل رفت و آمد روسپیان، پاندازان، و آخوندهای صیغه‌کننده (که بیشتر اوقات بخاطر تقسیم منافع به سرو کله یکدیگر می‌کوفته‌اند) بوده است. زنان صیغه‌ای نه تنها از هیچ حقوقی برخوردار نبودند، بلکه تحت فشار آخوندها و پاندازان پر قدرت، هفته‌ای و گاهی روزانه چند بار صیغه می‌شدند. صیغه از دوساعته شروع می‌شد تا صیغه‌ی مادام‌العمر (بخاطر ملاحظات مختلف از جمله محروم کردن زن از ارث). زنان صیغه‌ای معمولاً هم توسط شوهران و هم بوسیله زنان دائمی شوهران خویش مورد تحقیر و حتی ضرب و جرح قرار می‌گرفتند و از هیچ حق و حقوقی نیز برخوردار نبودند.

آری صیغه نوعی فحشای دینی بود. زیر درست مثل فحشا در آن تنوع و تکرار وجود داشت (یک زن را برای ده‌ها مرد صیغه می‌کردند و مرد و زن درگیر در صیغه مرتباً از شاخی به شاخ دیگر می‌پریدند). در صیغه نیز مانند فحشا نیاز اقتصادی زن با نیاز شهوانی مرد معاوضه می‌شود. شباهت دیگر بین این دو یک طرفه بودن رابطه است به این معنی که زن معمولاً شوهر موقت خود را نه دیده و نه شناخته بود و نه کوچکترین علاقه‌ای به او داشت، بلکه صرفاً بخاطر فقر و بدبختی تن به این رابطه می‌داد. حال ببینیم چرا مردان بدنبال صیغه می‌رفتند؟ نخست آنکه از تعهدات انسانی ازدواج (و حتی تعهدات یک رابطه‌ی آزاد دو طرفه توأم با عشق) طفره بروند. دوم آنکه در اغلب جوامع مذهبی فحشای علنی ممنوع بود (چه به سبب تعصبات دینی و چه به این علت که فحشا دکان اربابان دین را تخته می‌کرد)، لذا مردان چاره‌ای جز تن دادن به صیغه نداشتند. سوم اینکه برخی از مؤمنین و متعصبین مذهبی بخاطر آنکه مرتکب گناه نشوند، با عنوان کردن اینکه اسلام همه‌ی کارها را آسان کرده است، بجای فحشا بدنبال صیغه می‌رفتند.

صیغه‌کنندگان را اغلب مسافران، زوار (بخصوص زوار کربلا و مشهد) و پیرمردانی که در پی آزمایش توانائی جنسی خود بودند، تشکیل می‌دادند.

من خود داستانهای فراوانی از مردان زن دار (و حتی مردان دو زنه) شنیده‌ام که تنهایی به زیارت کربلا می‌روند و در آنجا " آقا " برایشان زن صیغه می‌کند.

صیغه صرفاً " فی مبلغ المعلوم و المدت المعلوم بود" و بعد از آن چه بر سر زن بیچاره می‌آمد و اگر آستن می‌شد چه مصائبی به خود و کودکش می‌رسید، به صیغه کننده مربوط نبود. درست مثل فحشا، بدا از پایان مدت هیچیک از طرفین یکدیگر را نمی‌شناختند.

بر خلاف بحث " علمی" و " عقلی" نویسنده‌ی مقاله‌ی بالا، در صیغه عملاً نه رضایت طرفین در کار بود، نه محدودیتی وجود داشت و نه صیغه مشروط به شرایط حقوقی یا انسانی بود. خنده‌آورتر از این نیست که صیغه را بخاطر " پای بندی به قواعد عرف " بدانیم و عرف را " هنجارهایی که برای حفظ جامعه ضروری‌اند" تعریف کنیم. صیغه یک رسم قدیم فئودالی - مذهبی (شرعی نه عرفی) است که اسلام از جوامع دیگر و عربستان پیش از اسلام به عاریت گرفته است. صیغه هنجاری است برای حفظ روابط غیر انسانی و ضد زن. شرع انور و ورد و ذکر آن نیز برخاسته از خواستگاه‌های شرع است نه عرف. نویسنده‌ی مقاله فراموش کرده است که، گرچه در متون مختلف، اغلب شرع و عرف با هم می‌آیند، لیکن همیشه عرف در مقابل شرع قرار داشته است. جامعه‌ی عرفی جامعه‌ای است که در آن دین و سیاست از هم منفک و مجزا هستند.

صیغه نه ماحصل عقل و منطق، بلکه ماحصل جامعه‌ای است که بر آن جهالت و دروغ و ریا حکمروائی می‌کند. ورد و ذکر و صیغه نه نماد عرف جامعه بلکه ترفندی است شرعی برای اخاذی و سو استفاده. همین امروز در نهادهای مجری صیغه (مساجد و تکایای معتبر) حداقل بیست و پنجهزار تومان برای خواندن همین اوراد ساده به جیب می‌زنند. تازه این غیر از پولی است که دلالان محبت و پاندازان جوراجور اخاذی می‌کنند. در صیغه تعهدات قانونی وجود ندارد، بلکه صیغه خود وسیله‌ای است برای طفره رفتن از هر نوع تعهد قانونی. نویسنده مقاله " نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" درست می‌گوید که آزادی نامحدود وجود ندارد. بنظر اینجانب هم آزادی لجام گسیخته باید با یک سلسله قوانین عادلانه و مردمی محدود شود. لیکن چه کسانی باید این محدودیت را برقرار سازند؟ مسلماً نمایندگان بلافصل مردم که با روشی دکمکراتیک و انسانی انتخاب شده‌اند نه کسانی که به زور و بنام دین و اسلام برگرده مردم سوارند.

صیغه یکی از تمهیدات ظالمانه‌ی جامعه‌ی ضد زن و بزرگترین تحقیری است که جامعه‌ی مذهبی علیه زن روا داشته است. برای اینجانب جای هیچ‌گونه شکی باقی نیست که نویسنده‌ی مقاله‌ی " نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" مرد بوده است. زیرا ایشان زمانی که از اکثریت جامعه و عقل جمعی سخن می‌گوید، زنان را بطور کلی فراموش می‌کند. و گر نه ایشان اینقدر درک می‌کردند که حتی مذهبی‌ترین زنان نیز ازدواج دائم و همراه با تعهد را به صیغه ترجیح می‌دهند. نمیدانم اگر نویسنده‌ی این مقاله زن می‌بود آیا می‌شد با رضایت کامل و بدون هیچ‌گونه اکراهی صیغه شود؟ حتی بعنوان مرد نیز اطمینان دارم ایشان حاضر نخواهد شد که کسی خواهر یا دخترش را صیغه کند.

اشتباه است اگر فکر کنیم نظام حاکم بر ایران صیغه را صرفاً بخاطر تعصب دینی یا به عنوان یک سنت اسلامی تشویق می‌کند. جامعه‌ی اسلامی از یکطرف بعلت فقر، بیکاری و تبعیض

شدید جنسی راهی برای گروهی از زنان محروم بجز تن دادن به فحشا و تن فروشی باقی نگذاشته است. مردان نیز بنا به همین دلایل و دلایل دیگری مانند جدائی شدید زن و مرد، فشارهای روانی، عدم امکان ازدواج بخاطر فقر و بی پولی، عدم امکان ایجاد روابط عاطفی با جنس مخالف) به طرف رابطه جنسی مبتنی بر روسپیگری کشانده شده‌اند. در این شرایط صیغه به عنوان راه حل اقتصادی - اجتماعی رژیم ظاهر شده است. چه راه حلی از این بهتر که برای سردمداران رژیم دوغ و دوشابی هم دارد.

متأسفانه مردان و زنان ما تاریخاً از محرومیت شدید جنسی رنج برده‌اند و امروز رژیم جز صیغه راهی برای ارضای غرایز جنسی‌شان باقی نگذاشته است. با توجه به این واقعیت است که من زنان و مردانی را که تن به صیغه می‌دهند، درک می‌کنم و حتی برقراری روابط جنسی مبتنی بر روسپیگری را محکوم نمی‌سازم. یک انسان تشنه آنگاه که به آب گوارای چشمه دست نیابد، ممکن است از آب گلآلود یک گودال نیز رفع تشنگی کند. این نکته را نیز باید قبول کنیم که حتی در دمکراتیک‌ترین و انسانی‌ترین جوامع نیز بخش‌هایی از زنان و مردان بطرف فحشا و مواد مخدر و نظایر اینها کشانده می‌شوند. لیکن یک نظام اجتماعی خردورز باید با ایجاد کار، رفاه اجتماعی، تفریحات سالم و تربیت بدنی و روانی برای قاطبه‌ی مردم همه‌ی اینها را بحداقل برساند. انسانهای خرد ورز باید همواره چشم‌انداز جامعه‌ای را بر مردم ارائه دهند که در کلیه‌ی روابط آن خرد نقاد جای ایمان کورکورانه و پیشداوری‌های سنتی - مذهبی را گرفته است. جامعه‌ی خردورز در خصوصی‌ترین روابط انسان‌ها دخالتی نمی‌کند. در چنین جامعه‌ای روابط جنسی متکی است به عشق انسانی، لذت و تعهد دوجانبه، زیبایی شناسی و تداوم رابطه - حال این رابطه چه بصورت ازدواج مدنی (غیر دینی) باشد و چه عشق آزاد زن و مرد.

حیدر قطب

بیست و هفتم نوامبر ۲۰۰۲

بایگانی در سایت باهماد ایرانیان خردگرا: (<http://www.kaafar.com>)

طرح چند مسئله

دختری هستم ۱۸- ۱۷ ساله، از اونجایی که خیلی به نظرات این سایت علاقمندم و با همشون موافقم، خواستم چندتا سؤال از این پدر و مادرهای (خیلی روشن!) و این پسرهای ایرانی بکنم و درد دلی کرده باشم.

هر آدم عاقلی میدونه که خدا هیچ چیزی رو بی دلیل به آدم نداده، مگه اینطور نیست؟ همونجور که آدم نیاز به آب، هوا، غذا و.... داره، احتیاج به داشتن رابطه با جنس مخالف داره! مگه نه؟ احتیاج داره نیاز جنسی خودشو برآورده کنه! هر نیازی بجای خودش باید برآورده بشه، مگه نه..... اون موقع که نیازش سرکوب شد!.....تبدیل به یه آدم عقده‌ای میشه که امثالشون تب جامعه ما زیاده.

من اول از همه از پدر و مادر خودم شروع میکنم:

ببینم، آخه شما چی فکر میکنین؟ چرا من نباید با پسری دوست باشم ولی اگر پسر عمه محترمه بنده یا حالا هر کس دیگه‌ای (پسر) در دور و اطراف که دوست دختر داشته باشه، عیب نداره؟ تازه پز هم میدن! اهه!مادر فلان پسر افتخار هم میکنه که پسرش گزل فرند داره! ولی هر دختری به محض اینکه اطرافیاننش فهمیدن دوست پسر داره،

فاسد میشه؟ مهر بدنامی و هرجائی بودن و.... رو پیشونیش میخوره. مهر حتی خراب بودن و لشی بودن رو پیشونیش میخوره. میدونین این مادر پدرها چی میگن؟ پسر عین کاسه بلور میمونه! اگه چرک بهش خورد، میشوری و لکاش پاک میشه (یعنی آخر سر هر غلطی که بکنه هیچ عیبی نداره!)

اما دختر به محض اینکه کاری کرد دیگه از اون موقع به بعد میشه بدنام ، هرجایی و از این چرندیات خفقان آور . من نمی دونم؟؟؟؟!!!!؟؟؟؟؟؟ اگه قرار به خراب بودن! پس این باید شامل پسرا هم بشه!

روی حرفم با اون پدر مادرهایی است که دوست دختر پسرشون میاد خونه شون و جلو خواهر پسره میرن تو اتاق و در رو می بندن و..... جلو اون دختر بدبخت! ولی اگه دختر خودشون اینکار رو بکنه، حسابش رو کف دستش میدارن.

با اون پسرهایی دارم صحبت میکنم که خودشون هر غلطی میخوان با دختر مردم میکنن ولی خواهر خودشون باید تو خونه حبس باشه، تلفون هاشو چک کنن، هر جا میخواد بره، مواظبش باشن یا اگر هم اینها نباشه، اگه بفهمن دوست پسر داره، خدمتش برسن! حرفم با اون پسرهایی است که به دختر هزار جور وعده و وعید میدن! هر بلائی دلشون میخواد سر یارو میارن و بعدش هم مثل یک تیکه آشغال پرتش میکنن کنار. بعضی هاشون که - الان ببخشید که اینو میگم، خیلی معذرت - ولی به اصطلاح خودشون، دخترها رو شکل کس پادار می بینن! این اصطلاح خودشونه.

آخه من نمی دونم شما آقایون چرا دوست دارید خودتون رو به خیریت بزیند؟ آخه شما باور میکنید که اگه با یه دختر ۲۶-۲۵ ساله ازدواج میکنید، تابحال با کسی دوست نبوده؟ یا تو این دور و زمونه حتی دختر باشه؟

یعنی شما فقط به خاطر ارزش یه تیکه گوشت با دختر مردم ازدواج میکنید؟ آره؟ که اگه دختر پرده نداشته باشه؟؟؟؟؟؟ آخه نامردها چه فرقی بین یه دختر با یه پسر هست؟ همون قدر که تو حق داشتی حال کنی!.... اونهم حق داشته حال کنه! مگه غیر از اینه؟ چرا من باید از ترس بابام همه اش خودم، خودمو ارضا کنم؟؟؟!!!؟؟؟؟ چرا من باید از ترس اینکه کسی که فردا پس فردا قراره با من ازدواج کنه، این همه مدت فشار روحی تحمل کنم. والله، بخدا هر نیازی سرکوب بشه اثر خیلی بدی میداره. واقعاً نمی دونم چی بگم! خیلی ها که کلی الم شنگه هم بپا می کنن اگر که تو شب اول ببینن که عروس پرده نداره!

مثلا درست عین اینکه بگی یارو با ۲۵ سال سن هنوز با هیچ زنی رابطه نداشته! خنده داره، آخه کی باورش میشه؟

این یه نیاز طبیعی است، آقایون، پدر مادرهای عزیز، اگه شما قدیما با سن پائین ازدواج میکردید باز یه چیزی.

نمی شه از یه دختر ۲۷-۲۶ ساله توقع داشت که در طول اینهمه سال که از بلوغ جنسی اش گذشته و اینهمه فشار و تحریک روش هست، که طبیعتاً روی هر آدمی هست، توقع اینو داشت که که اینهمه سال خودشو " حفظ " کنه! بفهمید! شما را به خدا، درک کنین این موضوع رو.

من که نتونستم این موضوع رو به پدر و مادرم بفهمونم.

امیدوارم با خواندن نامه هایی از این قبیل یک کمی تو افکار پوسیده و بیخود ، تجدید نظر کنید. سعی نکنید خودتونو گول بزیند. اصولاً آدم از هر چیزی که مانعش کنن، بیشتر به

سمتش جذب میشه! اینو همه میدونن. کاری نکنید که بچه‌هاتون از از اونطرف پرت بشن پائین.



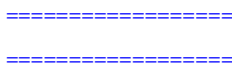
من میخوامم به دو نکته اشاره کنم، یکی در مورد آقایون و یکی در مورد خانمها .
۱- خانمها: در مورد بعضی از خانمهای ایرانی باید بگم با اینکه خودم هم یک زن ایرانی هستم، ولی متأسفانه بعضی از زنان ایرانی بعد از ازدواج فکر میکنند که دیگه همه چیز تمومه و اون آقا دیگه مال خودشونه و نمی‌تونه شیطنتهای قبل از ازدواج رو داشته باشه، در صورتی که به نظر من اونها باید بعد از ازدواج بیشتر مراقب همسر خودشون باشن. مثلاً در بعضی موارد دیده می‌شه که خانم بعد از ازدواج دیگه به سر و وضع خودش نمی‌رسه و مرتب نیست و وقتی که بهشون گفته میشه که چرا اینجوری شدن، میگن که اونیه که ما رو پسندیده، دیگه پسندیده و فکر نکنید که این خانم بعد از یک بچه به چه صورتی خواهد بود؟ پس نباید از یک مرد انتظار داشت که از سکس با یک چنین زنی لذت ببره، در نتیجه میشود آنچه نباید بشود.... به نظر من، یه زن خیلی راحت میتواند مرد خود را پایبند زندگی کند و چاقی یا لاغری، زشتی یا زیبایی هیچکدام، مانع اینکار نمی‌شه. همیشه مرتب باشید و تا میتوانید برای مرد زندگی خود سکسی جلوه کنید. باور کنید من زنی‌امی شناسم که کثافت تمام زندگیشو گرفته و از هنر خانه‌داری فقط آشپزی بلد است ولی وقتی شوهرش وارد خونه میشه، آنچنان با حرارت اونو می‌بوسه که در نظر مرد خونه مثل گل میشه. البته من نمی‌گم شلخته باشید بلکه می‌خوام بگم که شوهرداری هم خودش یک نوع هنر است.

۲- و اما درباره آقایون: در باره آقایون باید بگم که بعضی از آقایون بیرونی هم بعد از ازدواج مثل خانمها فکر میکنند که دیگه زن خودشون بهشون پایبند است و حرف حرف عشق است. بله این درست و زنان ایران خیلی هم به شوهر خود پایبند هستند ولی تا کی؟ تا زمانی که احتیاجش برآورده شود. البته من با مادیات کاری ندارم، بلکه از نظر معنوی می‌گویم. شما میتوانید صبحها قبل از اینکه سرکار برید، یک بوسه عاشقانه از همسرتون بگیرید. هیچ میدونید این بوسه که شاید ده ثانیه هم طول نکشه، چه اثر مثبتی داره؟ امتحان کنید. دگیر اینکه ناراحتی بیرون رو به خونه نیارید، خواهشاً وقتی وارد خونه می‌شید، دیگه فکر کنید که مشکلاتی که صبح داشتید دیگه مال بیرون بوده و فراموش کنید. مرتب باشید و همیشه در نظر خانم خودتون بهترین باشین.



سالم عرض شد، می‌خواستم ببینم چه اشکالی داره که ادم هم کس و کون بده و هم پول بگیره. اینایی که خیال می‌کنن آدمای خیلی خوبی هم هستن، خودشون هر کاری خواستن میکنند، یه عده هم میرن و حتی چند نفری با هم حال میکنند ولی پول نمی‌گیرن. می‌دونین فرقشون چیه؟ فرقش اینه که طرف از سیری شکم میاد خودشو ارضا میکنه ولی

ما برای کسب درآمد. شما ببینین به آدمی که از جوشن مایه میذاره، اینقدر ارزش نداره
که پول بگیره؟



توی شهر ما که تقریباً یه شهر کوچکی هست، واقعاً نظم به گند کشیده شده. من و دوستانم واقعاً نمی‌دونیم که چکار کنیم. شبها وقتی از خونه میریم بیرون، به ما میگن چرا اومدین بیرون، موتورهامون رو میبرن و خود ما رو جریمه می‌کنن. تازه تو خیابون به ما گیر میدن که چرا لباس هامون آستین کوتاهه، یا چرا روی لباس شما عکس است یا چرا شلوار شما تنگ است و شلوار لی اگه پات کنی، شلوار تو پاره میکنن. ولی ماجرای رو که پلیس انجام داده رو چون مال خودشونو، کاری نمی‌کنن. تابستون سال پیش ماشین پلیس یه دختری فراری رو که کنار رودخانه گرفتن، میبرن تو یه باغ و به دختر بیچاره با زور تجاوز می‌کنن. بعداً معلوم میشه که یکی از اونها ایدز داشته و دختره را هم به این بیماری مبتلا میکنه. این همونا هستن که ادعا می‌کنن از ما بهتر هستن. خلاصه ما جوونای

ارتباط سازنده.....منتظر اولین جرقه انقلاب دوباره هستیم.

(از استریت واکر)

کیه که نخواد سکس بهتری داشته باشه؟ کیه که دوست نداشته باشه طرفش رو به بهترین وجه ممکن ارضاً کنه؟ واقعاً کسی هست که نخواد بیشترین لذت رو ببره و بیشترین لذت رو بده؟ اما متأسفانه تو کشور ما، به دلیل نبودن آموزشهای صحیح و دقیق در اینباره، اکثر افراد از روشهای مناسب برقراری ارتباط جنسی اطلاع چندانی ندارند و همیشه نگران این هستند که نتوانند طرف خودشون رو به خوبی ارضاً کنند و یا از این ناراحت باشند که "شاید" می‌تونست بهتر از این باشه. کج فهمی‌های دو طرفه و گاهی عدم آشنایی با چگونگی حل مشکلات و مشاجرات احتمالی روزمره هم مزید بر علت است.

اکثر آدمها هم فکر میکنند که توی ایران اساتید خوبی برای سکس وجود نداره و یا اگر هم وجود داره، ما به آنها دسترسی نداریم. اما این تصور چندان صحیح نیست! موقع سکس همیشه یک استاد که می‌تونه بهترین، دقیقترین و مناسبترین راهنماییها رو به شما بکنه، در دسترس شماست؛ این استاد، دوست پسر، دوست دختر و یا همسر شماست، اما به شرطی که بلد باشید چگونه با او حرف بزنید و چگونه این ارتباط را برقرار کنید. هرچه باشه، بهر حال این اونه که باید لذت ببره و به شما لذت بده. پس اگر بتوانید رد و بدل اطلاعاتی مفید با هم داشته باشید، خواهید توانست بهترین سکس دنیا را تجربه کنید. میتوان گفت که تقریباً توی هیچ موضوع دیگه‌ای نیست که استادی اینقدر اختصاصی برای شما وجود داشته باشه، پس بهتر است که کمی وقت بگذاریم و مهارتهای ارتباطی با طرف خود را یاد بگیریم، و آنوقت که شاهد معجزه خواهیم بود.

سبزه مورد زیر که از راهنمای جنسی سازمان اطلاعات جنسی سان فرانسیسکو (آمریکا) برداشته شده‌اند، تلاش میکنه کاتالیزوری باشه برای یک معجزه جنسی که ماحصل آن، دنیایی بهتر و زیباتر برای تمامی زندگی شما خواهد بود.

۱- **محیط:** آیا ارتباط کلامی شما در محل مناسبی انجام می‌گیرد؟ یک تئاتر شلوغ برای صحبت درباره زندگی جنسی شما اصلاً مناسب نیست. اگر در وضعیتی هستید که یکی از شما خواب‌آلود است، یا حوصله حرف زدن ندارد، بهتر است حتی صحبت را شروع نکنید. از طرف دیگر مطمئن باشید که وقت کافی برای صحبت دارید. صحبت‌های مربوط به مسائل جنسی معمولاً بیشتر از آنچه فکر می‌کنید، طول می‌کشند.

۲- **ارتباط و اهداف آن:** آیا واقعا هر دو می‌خواهید در باره این موضوع صحبت کنید؟ آیا هر دو در مورد موضوع صحبت با هم توافق دارید؟ و آیا هر دو آماده صحبت در اینباره هستید؟ موضوعات جنسی در فرهنگ ما غالباً با اشارات و کنایات بیان می‌شوند و همین موضوع باعث ایجاد انواع سوء تفاهم‌ها میشود. سعی کنید اول دقیقاً مطمئن شوید که طرف مقابل شما همان چیزی را در نظر دارد که مد نظر شماست. "سکس خشن" از دید دو نفر ممکن است به دو گونه مختلف برداشت شود.

۳- **توافق با خود:** قبل از شروع یک صحبت جدی، بسیار مهم است که هر فرد تا حد زیادی از نظرات خود آگاه باشد. این موضوع در ابتدا عجیب بنظر می‌رسد ولی اگر در مورد سکس با کسی صحبت کرده باشید، حتماً میدانید که بحث به چه حرف‌های عجیبی که کشیده نمی‌شود و آدم حرف‌هایی می‌زند که اصلاً قبل از آن به فکرش هم نبوده. شاید اثر فروید باشد..... بهرحال بسیار مهم است که قبل از هر صحبتی، تکلیفاتان را با خود روشن کنید.

۴- **مقاصد ناآشکار:** در تمامی طول صحبت در باره سکس صریح صحبت کنید. تجربه نشان داده که در بسیاری مواقع (بخصوص پیش از ازدواج) صحبت در باره سکس، چیزی بیشتر از یک تبادل نظر ساده است. اگر به چیزی بیشتر از یک تبادل نظر ساده فکر میکنید، به سادگی آن را برای طرف مقابل خود بیان کنید. اجازه ندهید روند ارتباط کلامی شما، بجای رد و بدل کردن اطلاعات و کسب شناخت بهتر از همدیگر، به ابزاری برای وقت‌گذرانی مبدل شود.

۵- **زبان بدنی و ارتباط غیر کلامی:** بسیاری چیزها را جرأت نمی‌کنیم بر زبان آوریم، یا به دلائل فرهنگی از گفتن آن خجالت می‌کشیم و یا به سادگی نمی‌دانیم چگونه آن را بیان کنیم. در اینگونه مواقع میتوان از زبان بدن - ایما و اشاره - استفاده کرد؛ کشیدن یک آه بلند وقتی پسری سینه‌های شما را می‌بوسد، از هزار بار "عالیه" گفتن مفیدتر و شهوت‌برانگیزتر است. این مورد در باره پسرها و مردان هم صدق می‌کند. در فرهنگ ما عادت کرده‌ایم که "سرو صدا کردن" کاری دخترانه یا زنانه است و این کاملاً اشتباه است. زبان بدنی و اصوات غیر کلامی (مانند آه کشیدن و یا نفس نفس زدن) یک محرک عالی برای هر دو طرف است و بهترین نشانه از خوب و مناسب بودن اعمال. با اینکار دونفر به هم پیام میدهند که از کاری که درحال انجام گرفتن است، لذت می‌برند. اما توجه داشته باشید که با زبان بدنی خود دروغ نگوئید که عواقب خوبی ندارد، بهترین کار این است که آن را آزاد بگذارید.

۶- **شیوه بیان:** به جای اینکه به اعمال طرف مقابل تکیه کنید، مسائل را از جانب خود بررسی نمائید؛ به جای اینکه بگوئید "وقتی اینجوری می‌بوسی عین دراکولا می‌شی!" بگوئید وقتی اینجوری می‌بوسی، احساس عجیبی به من دست میدهد، دوست دارم که یک کم ملایم‌تر باشه. البته مواظب "من" گفتن‌های خود باشید. مثلاً، هیچوقت نگوئید "من احساس میکنم که تو اصولاً اینکاره نیستی!" شما با استفاده از شیوه بیان مناسب، به طرف کمک میکنید که به نقاط بیشتر حساس بدن شما و اینکه چه شکلی را دوست دارید، آشنا شود.

۷- **توضیح و گوش دادن فعال:** هنگامی که مشغول صحبت در باره یکسری از موضوعات خاص هستید، قبل از جواب دادن، یکبار صحبت طرف خود را تکرار کنید. به اینکار گوش کردن فعال می‌گویند. این موضوع دو تاثیر مهم دارد: اول اینکه باعث طرف متوجه دقت کردن شما به

حرفهایش میشود، و دوم اینکه سو تفاهم احتمالی در درک حرفهای طرف هم برطرف میشود. چون اگر خوب متوجه حرفهای او نشده‌اید، به شما میگوید که منظور این نبوده.

۸- پرسش: برای رسیدن به نتیجه مطلوب، پرسیدن منظور دقیق طرف بسیار مهم است. هیچگاه با اطلاعات و داده‌های خود، سعی در حدس زدن منظور طرف نکنید، بلکه از وی بخواهید که بسیار دقیق و با جزئیات نظر خودش را برایتان شرح دهد.

۹- مذاکره: وقتی شما و همسر یا دوستان، مواضع خود را دقیقاً مشخص کردید، سعی کنید به یک جمع‌بندی برسید؛ بگوئید "موضوع فلان چیز است، یکی از ما این راه حل را می‌دهد و یکی آن راه حل. حالا بهتره که چکار کنیم؟"

۱۰- مصالحه: باور کنید که در هر موضوعی بالاخره در یک نقطه‌ای توافق کنند که هیچکدام از طرفین ضرر مطلق نکنند. معنای این جمله این است که هیچکدام به سود مطلق هم نخواهد رسید. سعی کنید به حالتی برسید که بیشترین سود برای هر دو طرف حاصل شود و هر دو طرف احساس کنند که در مذاکره پیروز شده‌اند. هیچوقت سعی نکنید برنده نهایی باشید.

۱۱- توافق: سعی کنید وقتی به نتیجه‌ای رسیده‌ید، آن را برای هر دو طرف کاملاً شفاف و واضح بیان کنید. مثلاً بگوئید "خوب، پس قرار شد من تا ساعت ۱۰ خونه باشم، یا اگر نتوانستم بیام، تا اون موقع زنگ بزنم" ولی نگوئید "پس قرار شد خیل دیر نیام". چون این به ناروشنی منجر میشود، چرا که هرکدام ممکن است یک برداشت از "دید آمدن" داشته باشد.

۱۲- خاتمه: همیشه بصورت دقیق به مشکل پیش آمده و حتی به بحثی که در جریان است، خاتمه دهید. وقتی توافق حاصل شد، نشان دهید که دیگر از چیزی ناراحت نیستید و ثابت کنید که صحبت شما، یک جنگ لفظی نبوده، بلکه تلاشی بوده برای بهتر شدن رابطه شما دو نفر. سعی کنید این بهتر شدن روابط را از همان شب اجرا کنید. (طرف خود را به یک چایی، یا یک شام در بیرون دعوت کنید و اگر سه‌کافی هستید.....)

۱۳- بررسی: بعد از گذشت یک مدت کوتاه، به بررسی این بنشینید که آیا به اهدافی که می‌خواستید، رسیده‌اید یا نه. هیچ چیز مثل احساس فریب خوردن، زندگی را خراب نمی‌کند. هیچوقت هیچ چیز را بیش از حد تحمل نکنید. اکثر مسائلی که موجب تیره شدن یک رابطه خوب می‌شوند، اگر از همان اول کار، مطرح و حل شوند، بهتر است چرا که به احتمال زیاد، باعث مشکلات بیشتری در آینده خواهند شد. نگذارید، دلتنگی و ناراحتی‌ها در دل شما جمع شوند چرا که روزی از یک جایی بیرون میزنند و آنوقت حل چندین مسئله با هم بسیار مشکلتر خواهد بود.

امیدوارم که همیشه رابطه خوبی داشته باشید و فراموش نکنید که سکس شما، نشاندهنده نوع رابطه شماست. دو انسانی که روابط زیبا، لذت بخش و خوبی در روابط خصوصی خود دارند، ناخودآگاه در روابط عمومی هم همیشه به فکر همدیگر بوده و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، بلعکس دو نفری که سکس خوبی نداشته باشند، هم ممکن است آن اعتماد به نفس باید و شاید را نداشته باشند و هم سرخوردگی جنسی خود را جای دیگری جبران خواهند کرد. و فراموش نکنید که خوب بودن رابطه جنسی هیچوقت نمی‌تواند یکطرفه باشد. به فکر خودتان هم باشید: فداکاری تمام عیار، فاسد کننده سکس خوب و دلپذیر است، در مقابل کمی کوتاه آمدن، تضمین کننده دوام آن.

هلاک کیر

من شدیداً به کیر مکیدن علاقه دارم، حتی اگه طرف منو نکنه من نمی‌تونم از کیر اون دست بردارم. باید حتماً ساک بزنم و خیلی هم خوشم میاد. یه دفعه

که حسابی حشری شده بودم، بدنبال کسی بودم که منو بکنه، البته من از اون دخترای مریض یا خیلی حرفه‌ای نیستم، ولی با ساک زدن حسابی حال میکنم. رفتم توی یک مغازه مانتو فروشی خیلی بزرگ و شیک. دوتا پسر جوان بودند، منم خوشحال شدم. داشتم قیمت‌ها رو می‌پرسیدم که دیدم ای بابا حاج آقا نشسته پشت میز و داره پول می‌شماره. حسابی کفزی شدم. پسر بزرگه دنبال من بود، اسمشو فرشاد میذارم. فرشاد همه‌اش راجع به مانتوها حرف می‌زد و اصرار که یکیشونو ببوشم. در ضمن چشمکی هم زد و یه مانتو رو در آورد و داد دستم. منم که تعجب کرده بودم، مانتو رو از دستش گرفتم و رفتم پرو. یک تی شرت نازک داشتم و شلوار. کلی معطل کردم شاید باباهه بره بیرون. فرشاد هی می‌گفت خانوم اندازه است یا یکی دیگه بیارم، منم که بیکار بودم، میگفتم از مدلش خوشم نمی‌آد، یکی دیگه بدین. در همین اثنا که مانتو رو ازش میگرفتم، دیدم باباش اومد طرفش و گفت من میرم مغازه آقای شما جای نرین. دیگه دل تو دلم نبود، باید یه جووری فرشاد رو میاوردمش تو. برا همین مانتو رو تنم کردم و گفتم آقا این مانتو برا من بزرگه، امکانش هس کوتاهتر بشه؟ که فرشاد اومد جلو و گفت بله خانوم، خودمون کارگاه داریم. گفتم کجاست؟ گفت همینجا در پشتی ولی الان کارگرامون نیستن. وای که دیگه پستونام سفت شده بودن. گفتم من عجله دارم میشه علامت بزنین تا فردا پیام بگیرم. فرشاد یه نگاهی کرد و گفت باشه. رفتم داخل اتاق پرو و اون هم اومد. دکمه‌های مانتو باز بودن و برا همین جلو مانتو رو باز گذاشتم و بهش نگاه کردم و بعد در رو از پشت سرش بستم و از تو قفل کردم. اون که بلافاصله فهمید اوضاع چیه. یه لرزی بهش خورد که نگو. منو بغل کرد و حسابی لبامو مکید. گفتم وقت داری؟ گفت آره. اون پستونامو می‌مالید و من هم که برای ساک زدن له له می‌زدم، زیپ شلوارشو باز کردم، کیرشو در آوردم و گرفتم به مالیدن. بعد نشستم و جلوش زانو زدم و کیرشو تو دهن گذاشتم و حسابی مک زدم و خوردم و اااااااای جوووووووون هی ساک زدم. تا آب کیش آمد و ریخت رو پستونام. چه حالی به آدم دست میده. بعد گفتم بیا بریم کارگاه. گفتم باشه.

رفتیم تو کارگاه. شلوارمو در آورد و گفت بخواب تا بکنمت. من پشتمو کردم تا از کون بکنه. اونم معطل نکرد. هی فشار میداد و عقب-جلو می‌کرد. با دستش هم پستونامو می‌چلوندا. وای که چه حالی میدن این پسرای جوون کس تشنه. وحشی وحشی. من هم هی جیغ می‌زدم. همانطور که از عقب می‌کرد، با دستاش اونقدر پستونا و کسم رو مالید که خیس خیس شده بودم. دلم میخواست کسم رو بلیسه. برا همین گفتم لیس میزنی؟ گفت باشه. روی من دراز کشید و هی خورد. وقتی آروم میخورد و لیس میزد، جیغی می‌زدم که نگو ولی همه‌اش میترسیدم که باباش سر برسه و کار خراب شه. گفتم دیگه دیر میشه، تموم کن. اونم کیرشو کرد تو کس‌ام و با شدت شروع کرد به تلمبه زدن. اما باید احتیاط میکردم که آبش رو تو نریزه. گفتم در بیاره. در که آورد، کاپوت رو از رو کیرش کشیدم و با ولع خاص خودم، کیرشو تا ته حلقم کردم تو دهنم. آه که چقدر من از کیر مکیدن لذت می‌برم. دقتی که احساس کردم دوباره جویبار آبش داره براه می‌افته، کیرشو از دهنم کشیدم بیرون و رو پستونام شروع کردم برانش جلق زدن. دوبار بیشتر تکون نداده بودم که آبشو دوباره ریخت رو پستونام.

ژونم، حسابی حال کرده بود. بعدش رفتیم پرو و مانتو رو بهش دادم و اونم اندازه گرفت و گفت فردا حاضر می‌شه، بیاین بگیرین. حاج آقا هنوز نیامده بود. یه چشمکی به فرشاد زدم و به برادرش دزدکی نگاهی انداختم به شوق فردا آدمم بیرون.



از نگاه یک جوان ایرانی در خارج

من یک جوان ایرانی هستم که در خارج زندگی میکنم. تا کلاس پنجم توی ایران بودیم و بعدش به خارج آمدیم حالا ۲۱ سال سن دارم و دانشجوی علوم اجتماعی هستم. پدر و مادرم، هر دو توی انقلاب سال ۱۳۵۷ بسیار فعال بوده‌اند و بعدها به دلیل مخالفت با حکومت، به خارج آمدند. به همین دلیل در خانواده ما مسائل و چیزهایی که توی جامعه ایران می‌گذرد، را دنبال میکنیم. تو همین رابطه من به مسائل کشورم علاقمند هستم.

من اینجا با دوست دخترم زندگی میکنم و رابطه گرم و صمیمی با خانواده‌ام دارم. به دلیل علاقه‌ام به مسائل ایران و رشته تحصیلی‌ام چند بار به ایران سر زده‌ام، از جمله دو ماه پیش. اتفاقاً دوستان همسن و سال خودم در بین اقوام ما در ایران هم دارم و در این اواخر روابط بهتری با هم داریم. سه‌کاف را هم یکی از همین دوستان به من معرفی کرد. میخواهم نظر خودم را در رابطه با یکسری مسائل جامعه و جوانان مطرح کنم. توی ایران که من بودم، یک احساس عجیبی در برخورد به مردم از هر سن و سالی به من دست میداد. یعنی یک نوع بی‌منطقی کاملی توی رفتار و کردار و برخوردهایشان می‌دیدم. امیدوارم دوستانی که این مطلب را میخوانند فکر نکنند که من دارم ایراد می‌گیرم، چون اصلاً قصد من این نیست بلکه یک چیز دیگر است. یعنی میخواهم بگویم اگر حکومت توی ایران سختگیری می‌کند، خود مردم و بخصوص جوانان اگر بخواهند، میتوانند تا حدود زیادی از فشار حکومت کم کنند.

برای اینکه منظورم را خوب بفهمانم، میخواهم از خودم، و زندگی اینجا کمی بگویم. من توی سال آخر دبیرستان اینجا، وقتی که ۱۹ ساله بودم، با یکی از دختران همکلاسی خودم آشنا شدم. یک هفته بعد، یک روز که با هم شام می‌خوردیم، تلفنش زنگ زد، برادرش بود.

گویا یک جشنی با دوستاش داشت و میخواست که او (دوست دختر من) هم برود. همانجا، از من پرسید، من هم گفتم باشه. دوستم از برادرش پرسید که آیا میتونه دوست پسرش (یعنی من) را هم بیاورد. و جواب مثبت بود.

هفته بعد ما با هم به مهمانی رفتیم. حدود ۸ نفر از جوانان ۲۴-۱۸ ساله. من برای اولین بار بود که برادر دوست دخترم را می دیدم. خیلی خوش اخلاق و مهربان بود. دوست دختر خودش را هم معرفی کرد. شام خوردیم و بعد هم با هم به دیسکو رفتیم. توی دیسکو او با دوست دخترش میرقصید و خواهرش هم با من میرقصید. یارو عین خیالش هم نبود. بعدش هم ما دو نفری بیرون زدیم و رفتیم خانه. این را که میگویم، یعنی یک پسر، داشتن دوست دختر را حق خودش میداند و همین حق را برای خواهر خودش هم قبول دارد.

نه من و نه هیچ فرد دیگری وقتی که دوست دختر یا پسر میگیرد، این اجازه را بخودش نمی دهد که از طرف خودش بیرون برسد، قبلاً با کی بوده و آیا مثلاً پرده بکارت دارد یا نه. تازه ممکن است با دوست پسر یا دختر قبلی هم هنوز رابطه دوستی داشته باشد و به من هم معرفی کند. این شکلی هم نیست که مثلاً دوست پسر سابق دوست دختر من بگوید "من قبلاً ترتیب دوست دختر تو را دادم"، چون هر کسی به آن رابطه ای که دارد، احترام می گذارد و اگر هم دو طرف به هم نخوردند که زندگی مشترکی داشته باشند یا ازدواج کنند، دوستانه از هم جدا میشوند و احترام آن رابطه قبلی را محفوظ نگه می دارند.

در حالی که توی ایران که من بودم، پسرها از اینکه دوست دختر دارن، یک نوع فخر فروشی میکنند و بشکلی با دوست دختر خود برخورد میکنند و پشت سرش حرف میزنند که آدم تعجب میکند. یعنی یک طوری که گویا این طرف به دختره کلک زده، گویا داره از دختره سو استفاده میکنه و از این حرفها.

مثلاً به هم میگن که من مخ فلانی را زدم. یعنی رابطه خود را یک رابطه انسانی و آگاهانه و دوطرفه حساب نمی کنند. یا اگر خواهر خودشان دوست پسر داشته باشد، برادره با دوستاش جمع میشوند و دمار از روزگار دوست پسر خواهر خودشان در می آورند و از اینکه خواهرشان دوست پسر داشته باشه را یک آبروریزی بحساب می آورند؟؟؟؟ چرا من نمی دانم. من اینجا دو سه سال است که با این دوست دخترم زندگی مشترک می کنم. ازدواج هم نکرده ایم، اما با هر دو خانواده خودم و خانواده دوستم روابط گرمی داریم، هیچ مسئله ای هم نیست.

خواهر من هم با یک خارجی زندگی مشترک میکند، هیچ عیب و ایرادی هم ندارد. خوب اگر حکومت در ایران فشار می آورد، مردم و بخصوص جوانان که میتوانند توی خانه خودشان کمی بازتر با این مسائل برخورد کنند و تا حدود زیادی از فشارها کم کنند.

یک مثالی برایتان میزنم که هر وقت بیادش می افتم، به جز به وحشیگری به هیچ چیز دیگری فکر نمی کنم.

یک روز با چند نفر از دوستان یکی از دوستم در تهران که همه دانشجوی بودند، رفتیم بیرون. نمی دانم چطور شد که یک دختری که یکی از این پسرهای همراه ما را میشناخت، هم آمد و قرار شد که او را به جایی برسانیم. یکهو متوجه شدم که راننده ماشین، تو کوچه پس کوچه های نسبتاً خلوت پیچید و هر کدام از پسرها به طرف دختره حمله کردند و شروع کردند به زور با این دختر بیچاره لاس و دست زدن. نگاهشان که میکردم، توی چشم و صورتشان هم میشد یک نوع "غرور و افتخار" دید که ظاهراً میخواستن به من طعنه بزنن که ببین ما چه چیزها که اینجا نداریم. آنقدر از وحشیگری اشان عصبانی و منزجر بودم که شروع کردم به لرزیدن. بالاخره، به خودم مسلط شده، از ماشین پیاده شدم و با کلی بد و بیراه، دختر بیچاره را از دستشان در آوردم.

یک خاطره دیگر از اینگونه روابط را هم برایتان تعریف می‌کنم که به یکی از پسرهایی مربوط میشود که من در آنجا با ایشان آشنا شدم. گویا این پسر به یکی از دوستان سابق خودش دعوا کرده و کلی از دست او عصبانی بود. یک روزی که پنج نفری با هم بودیم، یکپهلو از یکی از دوستانش توی جمع خواست که یک کار رفیقانه برایش بکند و از ما هم خواست که اگر ما هم کمکش کنیم، خیلی ممنون میشود. میدانید درخواست ایشان چی بود؟ از دوستش میخواست که هرطور شده، بقول خودش "مخ" خواهر آن کسی که باهاش دعوا کرده بود را "بزند" و ترتیب "دختره" را بده و اگر هم شد، همه ما با هم بصورت جمعی با دختره سکس داشته باشیم و اگر هم شد، یک دوربین مخفی با خودمان ببریم که از دختره عکس بگیریم و به او بدهیم تا مثلاً آبروی پسری که باهاش دعوا کرده را ببرد (برادر دختره). من که داشتم شاخ درمی‌آوردم. یاد این گفته پدرم افتادم که دروغ یا راست، در زمان شاه، گویا خارجی‌ها که به ایران می‌آمدند، علاوه بر حقوق، یک چیزی هم بعنوان حق توحش می‌گرفتند. خوب وقتی جوانان و تحصیلکردگان ما و کسانی که به اینترنت دسترسی دارند، اینطوری باشند دیگر وای بحال دیگران.

یا مثلاً، یک نفر را میشناسند که به جنس موافق خودش گرایش دارد، یعنی گی هست. چقدر بر خوردهای زشت میکنند و با چه کلمات و اصطلاحات زشتی از طرف یاد میکنند، تازه میگویند که "من که ترتیبشو دادم"؟؟؟؟ من که سر در نمی‌آورم؟؟؟ آخر خود طرف نمی‌گوید که اگر حکومت به تو فشار می‌آورد، خود تو دیگر چرا به دیگران فشار می‌آوری؟ گیرم که برادر یا خواهر خودت گی بود؟ گی‌ها هم حق زندگی دارند، نه حق کسی را خورده‌اند و نه به کسی ضرر زده‌اند، مگه نه این است که هر کسی حق دارد آنطور که میخواهد زندگی کند، بشرطی که آزادی فرد دیگری را محدود نکند؟ به من چه که طرف توی رختخواب با جنس موافق خودش میخواهد یا با جنس مخالف. این یک مسئله شخصی طرف میباشد و جوان امروزی باید حداقل این را بداند. یک مسئله دیگر هم این است که بچه‌ها همه کارهای خودشان را دزدکی و بدور از چشم خانواده خود انجام میدهند. ظاهراً به این دلیل که خانواده‌ها نمی‌توانند این چیزها را قبول کنند. خوب جوان امروزی، باید بتواند از حقوق فردی خودش دفاع کند. طبقه جوان نباید تسلیم افکار پدر و مادرها شود. باید رک و پوست کنده بگوید، من به شما احترام می‌گذارم، دوستان دارم اما برای اینکه چگونه زندگی خودم را سرو سامان دهم، به شما حق دخالت در زندگی شخصی خودم را نمی‌دهم. و پدر و مادرها هم باید به نوبه خودشان در کم کردن فشارهای حکومت در مورد مسائل جنسی به وظیفه خودشان عمل کنند، یعنی عشق به فرزند را به زندان به فرزند تبدیل نکنند. نه اینکه خودشان ناآگاهانه مامور حکومت در کنترل کردن جوانان باشند. به نظر من اگر جوانان و بخصوص خواهر برادرها توی خانواده از هم حمایت کنند و در برابر افکار نه چندان امروزی پدر مادرها به شکل درستی مقاومت کنند، تا حدود زیادی از فشارها بر جوانان کاسته میشود، اما برای اینکار یک تحول مثبت و اساسی توی ذهن و دیدگاه خود جوانان، لازم است.

اینها را که مینویسم، ابداً منظورم انتقاد نیست، بلکه می‌خواستم یک گوشه مشکلات را بگویم چون به عنوان یک ایرانی دلم میخواهد که کشور متمدنی داشته باشم و روزی به کشورم برگردم. این را هم بگویم که منظور من تمام مردم و جوانان نیست، حتماً جوانان و افراد با فرهنگ نارگیل و نعنای متمدن توی ایران زیاد هست اما من دارم نتیجه برخوردهای خودم را بیان می‌کنم.

عطر شکلات با طعم

از ساعت ۹ صبح با هم بودیم.

از با هم بودن همه جور لذتی برده بودیم.



پاسخ به مسائل جنسی

ابتدا تذکری که یکی دوستان به ما داده:

- ۱- برای چرب یا لزج کردن کاپوت، استفاده از وازلین بخاطر ترکیبات نفتی (که در آن بکار گرفته میشود)، درست نیست. مواد موجود در وازلین به جدار کاپوت صدمه می زند و امکان عبور ویروس یا اسپرم از کاپوت بوجود می آید (خطر ایدز یا حاملگی). حتما باید از ژل (Gel) که محتوای سیلیکون هست، استفاده شود و نه وازلین.
- ۲- دوست دانشجویی که در رابطه با ایدز هم تحقیق میکند، مطلبی را در رابطه با سؤال و جوابهای شماره قبل در مورد ایدز و سازمان انتقال خون فرستاده بودند که قول دادیم در همین جا چاپ کنیم، اما در اثر یک خطای غیر عمد، نامه آنها، از کامپیوتر پاک شد. خوشحال میشویم چنانچه شما دوست عزیز، از خطای ما بگذرید و مطلب خود را یکبار دیگر برایمان ارسال کنید (با پوزش فراوان)

=====

سؤال ۱ - من وقتی آبم می آید، مثل توی فیلمها، آبم جهش ندارد، چرا؟
جواب: اول اینکه این فیلمها بیشتر تجارتي هستند، ممکن است داروهایی از جمله قرص ویاگرا به طرف داده باشند تا حسابی حشری اش کنند یا اینکه، از فن "اسلوموشن" فیلم استفاده میکنند و، اما اینکه یک عده آبشان حسابی جهش دارد، درست میباشد.
اگر شما خیلی سکس داشته باشید و یا زیاد جلق بزنید، به بدن خود فرصت کافی برای تولید آب منی نداده اید و در نتیجه آب شما هم کم جهش خواهد بود. جهش آب بیشتر در سنن جوانی و حتی تا سن ۴۵-۴۰ هستش (البته در بعضی ها تا سن بالاتر هم هست)، اما همه اینها یک مسئله فردی است و در چارچوب تفاوت های فردی می گنجد.

سؤال ۲ - چگونه میشود از شل شدن سینه زنان جلوگیری کرد؟

جواب: شل شدن سینه زنان یک مسئله کاملا عادی و طبیعی است. این سینه‌های برجسته و سفت که توی فیلمها یا اینترنت میبینید، دارندگان سینه‌های آنچنانی، در بیشتر اوقات جراحی پلاستیک کرده‌اند و گرنه سینه‌های تمام زنان عادی بعد از مدتی شل میشوند، همانطور که سینه‌های مردان هم این حالت را میگیرند. البته ورزش کردن و استفاده از کمرست‌های مخصوص تا حدودی ممکن است امر شل شدن را به تعویق اندازند.

سؤال ۳- شما گفتید که ویروس عامل ایدز در خون است، پس چرا از راه نزدیکی جنسی منتقل میشود؟ یعنی این ویروس توی کیر چه میکند؟

جواب: ویروس عامل ایدز در خون و تمام مایعات بدن فرد آلوده، یافت میشود از جمله در اسپرم طرف.

سؤال ۴- شوهرم میخواهد که جلو چشمان خودش، من با یک مرد دیگر سکس داشته باشم، چون میگوید که از دیدن این صحنه که مردی مرا می‌گاید، لذت زیادی میبرد. آیا اینکار درست است؟ یا اینکه شوهرم گی می‌باشد؟

جواب: ما قبلا درباره سکس ضربدری نوشته بودیم، اما این نوع دیگری از گرایش جنسی است. در همین رابطه، یکی دو داستان هم توی شماره‌های قبلی سه‌کاف منتشر شده است. افرادی مثل شوهر شما، معمولا گی نیستند اما این افراد از اینکه ببینند زنشان لذت میبرد، خود به لذت میرسند، یعنی به شکل غیر مستقیم. در مقابل مردانی هم هستند که دوست دارند وقتی با زنی سکس دارند، یک یا چند نفر نظاره‌گر باشند. پس مهم، پیدا کردن هم می‌باشد. درست یا غلط بودن این کار به خود شما مربوط میشود. مهم اینکه دو نفر بر اساس انتخاب آگاهانه و بر اساس نیاز خود به رفع نیاز جنسی خود همت کنند و زور، اجبار یا تسلیم به خاطر طرف در کار نباشد. تا آنجا که میدانیم، در کشورهای آزاد، اینگونه افراد، مثل گروههای دیگر جنسی، گروهها و محله‌ها و مجلات خاص خود را دارند. اما در ایران فعلا خبری نیست. اتفاقا اینگونه افراد تا حدود زیادی از مسائل دست و پا گیر و غلت ناموس بازی راحت شده‌اند.

سؤال ۵- من میخواهم ازدواج کنم. چطور میتوانم بفهمم که نامزدم پرده دارد یا نه؟

جواب: خوب، گیریم که نامزد شما پرده نداشته باشد، این چه ربطی به زندگی مشترک شما دو نفر در آینده دارد؟ چرا پسرانی مثل شما، میخواهید که دختران تا روز ازدواج باید نیاز جنسی خودشان را سرکوب کنند؟ سعی کنید اینگونه افکار کهنه را کنار بگذارید.

سؤال ۶- نامزد من پستوناش شل هستند، چطور میتوانم بفهمم که قبلا کسی آنها را نمالیده؟
جواب: جواب سؤال بالا را بخوانید.

سؤال ۷- من به جنس موافق خودم گرایش دارم و خیلی دوست دارم فاعل باشم، اما نمی‌توانم کسی را پیدا کنم.

جواب: فاعل یا مفعول بودن، نه غلط است و نه کار اشتباهی، هر کسی یک احساس و سلیقه دارد در باره مسائل جنسی هم ذائقه‌ها فرق میکنند. شما میتوانید به پایگاههای همجنسگرایان ایران سر بزنید، گویا در این سایتها آگهی‌های آشنایی هم چاپ میکنند.

سؤال ۸- بعضی از زنان از اینکه آب منی به داخل کون یا دهانشان بریزد، جلوگیری میکنند،

آیا اینکار دلیل یا ضرر خاصی دارد؟

جواب: اگر این زنان، به خاطر جلوگیری از مبتلا شدن به بیماریهای مقاربتی، اینکار را میکنند، کار درستی انجام میدهند. یک عده هم کلا از اینکه آب منی توی دهان یا کونشان بریزد، خوششان نمی‌آید، خوب این هم یک مسئله شخصی است و باید احترام گذاشت، اما یک مسئله هم میماند و آن این است که گاهی این یک مسئله ذهنی میشود. یعنی زنانی هستند که بنا به تعلیمات اجتماعی یا خانوادگی، اینکار را میکنند. خوردن آب منی یا ریختن آن در کون، بشرط اطمینان صد در صد از سلامتی کامل هر دو طرف، ضرری ندارد.

سؤال ۹- در مورد خوردن آب منی، یا فایده آن برای جوش صورت (اگر روی جوشها بریزد)، خیلی شنیده‌ام. آیا درست است.

جواب: ما این را نمیدانیم. اگر کسی از خوانندگان در اینباره اطلاعی دارد، خوشحال میشویم که به ما هم بگوید.

سؤال ۱۰- من شنیده‌ام که پسرها از کس با مو خوششان می‌آید، آیا این درست است.

جواب: هر پسری یک سلیقه برای خودش دارد. بعضی‌ها کس بی‌مو و بعضی‌ها کس مودار را میپسندند.

سؤال ۱۱- من برای اینکه از فشار جنسی خلاص شوم، کسم را با چیزی می‌مالم. آیا با اینکار کسم فرسوده میشود؟

جواب: نه کاملاً. کس و کیر هیچوقت فرسوده نمی‌شوند. البته با گذشت زمان تمام اعضا بدن از جمله کس حالت اولیه خود را از دست میدهد.

سؤال ۱۲- من پسری هستم که هم به سکس با دختران علاقه دارم و هم به سکس با پسران. میخواستم بدانم به من چی میگن؟

جواب: افرادی که به هر دو جنس تمایل داشته باشند، را در زبان خارجی بای سکشوال میگویند. در فارسی متأسفانه معادلی برای آن نساخته‌اند. کلمه دوجنسی یا دوجنسگرا شاید مناسب باشد.

سؤال ۱۳- من تازه حامله شده‌ام. آیا در دوره بارداری میتوان سکس داشت.

جواب: بله، تا دوره آخر بارداری هم میتوان سکس داشت و لذت برد، اما باید از روشهای خاص نزدیکی استفاده کرد تا به نوزاد شما آسیبی نرسد. در زیر همین صفحه چند عکس در اینمورد چاپ شده است.

سؤال ۱۴- تفاوت کاندوم با کاپوت چیست؟

جواب: هیچی. ما در ایران بیشتر کلمه کاپوت را مصرف می‌کنیم اما با آمدن اینترنت، کلمه کاندوم هم رسم شده.

سؤال ۱۵- چه جوری میشه که دختری را حشری کرد؟

جواب: اگر شما مطالب سه کاف از جمله سؤال و جوابها، مطالب مربوط به زنان و همینطور داستانهای سکسی را بخوانید، کلی تجربه کسب خواهید کرد. داستانهای چاپ شده تنها برای حشری کردن نیست، برای آموزش رفتار جنسی هم هستند

سؤال ۱۶ - سه سال پیش زنی کیرم را مکید. هیچ علائمی از ایدز هم ندارم، آیا با این وجود، باید نگران ایدز باشم؟
جواب: دلیلی برای نگرانی شما وجود ندارد. با اینهمه اگر میخواهید صد در صد مطمئن شوید باید آزمایش خون بدهید.

سؤال ۱۷ - چگونه دختری میتواند سینه‌های خود را بزرگ کند؟
جواب: بوسیله جراحی پلاستیک.

سؤال ۱۸ - من خیلی میترسم که پدر و مادرم متوجه شوند که من جلق میزنم؛ چکار کنم؟
جواب: اگر شما توی خلوت خودتان، یا شبها توی رختخواب خود جلق میزنید، امکان اینکه آنها بفهمند، ناچیز است. اما اگر هم یک وقت فهمیدند و به تو چیزی گفتند اینکار کن: مستقیم توی چشم آنان نگاه کن و بگو: خواهش میکنم راستش را بمن بگوئید، آیا خود شما تا قبل از ازدواج هیچوقت جلق نزدیدی؟ اگر هم گفتند نه، بگو: متأسفم که شما اینهمه دیر به بلوغ رسیدید، من اما میخواهم از همین حالا با بدن و احساس خودم آشنا شوم و حس و لمس‌اشان کنم.

سؤال ۱۹ - ما میخواهیم انجمن همجنس‌گرایان ایران را راه بیندازیم، چکار کنیم؟
جواب: لطفاً مطلب "خودیابی و همیاری" در همین شماره سه‌کاف را بخوانید. در ضمن، تا آنجا که ما اطلاع داریم، همجنسگرایان توی تهران و شهرستانها، دسته‌های کوچک ۱۵-۵ نفره حمایتی که با هم هستند و دور هم جمع میشوند، وجود دارد، اما ما آدرس هیچکدام را نداریم.

سؤال ۲۰ - چگونه ممکن است که زن و مرد سالمی که با هم رابطه دارند، از هم ایدز بگیرند.
جواب: ما به این سؤال در شماره ۲۲ هم جواب داده‌ایم. اگر دو نفر صد درصد از سلامتی همدیگر خبر دارند و با هیچکس دیگر سکس ندارند، بدون کاپوت و با خیال راحت میتوانند سکس داشته باشند. (البته مسئله هپاتیت فعلاً بماند که در آینده به آن خواهیم پرداخت).

سؤال ۲۱ - آلت تناسلی زن، محل تجمع میکرب است. آیا لیسیدن آن مشکلی برای مرد ندارد؟
جواب: اگر زن، آلت خود را مرتب تمیز نگه‌دارد، میکربی هم نخواهد داشت و لیسیدن آن هیچ اشکالی ندارد. تازه محیط واژن خیلی هم ضد میکرب است. البته اگر یک وقتی زنی مثلاً دارای بیماری قارچی باشد، خوب معمولاً متوجه میشود و (امیدواریم) به دکتر مراجعه خواهد کرد.

سؤال ۲۲ - با دختری پیش کنکوری آشنا شده‌ام که طبق گفته خودش از دو سال پیش به دنبال من بوده. دختر خوبی است و زیبا و برتری بزرگش همان عشق است، اما از نظر خانوادگی اصلاً دختر مورد نظر من نیست. چه کنم؟ آیا ترک او، در این شرایط به مسئله کنکور او ضربه نمی‌زند (از نظر روحی)، چون من واقعاً میخواهم که در کنکور موفق باشد. به من بگوئید که چه کنم. همین حالا بهش بگم یا بعد از کنکور.
جواب: از نوشته شما اینطور استنباط میشود که شما این دختر زیبا رو و اهل عشق و احساس را می‌پسندید، اما دلیل بی‌میلی شما به گسترش ارتباط، همان خانواده این دختر می‌باشد. خوب، گیریم که مثلاً شما از یک خانواده پولدار باشید و این دختر زیبا از یک خانواده بسیار فقیر و پائین شهری، یا مثلاً پدرش معتاد باشد یا مادرش خودفروشی میکند و هزار

احتمال دیگر. یا حتی ممکن است شما از خانواده فقیری باشید و او خانواده پولداری داشته باشد، یا اینکه خانواده شما دو نفر دین و اعتقادات متفاوتی داشته باشن و..... اما همه اینها چه ربطی به تمایل و گرایش شما دو نفر به همدیگر دارد؟ اگر شما همدیگر را دوست دارید، خصوصیات همدیگر را می‌پسندید و فکر میکنید که میتوانید با هم خوشبخت باشید، نگذارید شرایط یا موقعیت خانواده، در شکل‌گیری زندگی خودتان تاثیر داشته باشد. شما یک بار زندگی میکنید نه بیشتر. شکل‌دهی این زندگی باید براساس احساس و نیاز خود شما، صورت بگیرد نه دیگران. این حق فردی شماست. بهر حال صداقت در روابط بسیار مهم میباشد.

سؤال ۲۳- من همیشه تو ذهنم، از اینکه یکنفر منو لیس بزنه، لذت میبردم، مخصوصا لیسیدن کسم را. مدتی است (یکسال) که با پسری که خیلی هم دوستش دارم، عقد کرده‌ایم، ولی این آقا از اینکار بدش می‌آید. راستشو بخواین، برا همین، من از نگاه کردن هم محروم‌ش کردم، یعنی حق نداره تو نور منو ببینه. به من بگوئید چطوری اونو راضی کنم؟ یک چیز دیگه هم او پنج دقیقه بیشتر دوام نمی‌آره و خیلی زود آبش می‌آید و من تو خماری میمانم. دارم کلافه میشم. **جواب:** در رابطه با مشکل انزال سریع که خیلی از مردان با آن مواجه هستند، توی شماره قبل سه‌کاف نوشتیم، حتما بخوانید. تا آنجا که ما اطلاع داریم، کل مطالب چاپ شده در سه‌کاف به بهبود سکس بسیاری از خانواده‌ها و عروس و دامادها (ی آینده هم) کمک کرده. اگر بتوانید مطالعه سه‌کاف را به این دوست خود، پیشنهاد دهید. (تبلیغ برای سه‌کاف؟). اما مسئله مهم این است که شما به ضدیت با هم نپردازید. آیا خود تو سعی کرده‌ای با دهان و زبان خودت، یک حال درست حسابی به کیر و تخم‌های او بدهی؟ اگر اینکار را نکرده‌ای، حتما اینکار را بکن و بعدا ازش بخواه که حالا نوبت اونه که به تو حال بده. مسئله دیگر، ممکن است که دوست شما، کماکان متاثر از تعلیمات اجتماعی و خانوادگی باشد، سعی کنید بیشتر در این رابطه با هم حرف بزنید. مطالعه دو مطلب (هنر کس لیسیدن و هنر کیر مکیدن) در شماره‌های اولیه سه‌کاف و مقاله ارتباط سازنده در همین شماره هم یادتان نرود.

سؤال ۲۴- من و دوست پسر من، یک بار اتفاقی سکس داشتیم و از کاپوت استفاده نکردیم. بعدش هم مرتب با هم سکس کردیم تا مطلب ایدز که خواندم، خیلی ترسیدم و مجبورش کردم که بره و آزمایش بده. اما من میترسم برم آزمایش بدم. میخواستم بدونم، با وجود اینکه جواب آزمایش دوست پسر من، منفی بوده یعنی ایدز ندارد، آیا ممکنه که من ایدز داشته باشم؟ **جواب:** موقعی که دوست پسر شما آزمایش داده و جوابی مبنی بر سلامتی خودش گرفته، به این معناست که ایشان تا سه ماه قبل از روز آزمایش سالم بوده‌اند. اگر دوست شما از سه ماه قبل از آزمایش تا امروز با یک فرد آلوده به ویروس اچ. آی. وی سکس بدون کاندوم داشته، ممکن است ایشان هم حامل ویروس باشند. اما اگر توی این مدت با کسی سکس نداشته و شما هم با فرد دیگری (که ممکن است حامل ویروس باشد) سکس نداشته‌اید، جای نگرانی نیست. با اینهمه، آزمایش دادن مطمئن‌ترین شیوه آگاه شدن از سلامتی است.

سؤال ۲۵- آیا نخواندن صیغه محرمیت باعث انتقال امراض مقاربتی می‌شود؟

آیا این به سن مرد بستگی دارد؟

جواب: انتقال امراض و بیماریهای مقاربتی، ربطی به اجرا یا عدم اجرا مراسم مذهبی ندارد و همچنین به سن فرد هم کاری ندارد. هر کسی در هر سنی، با هر مذهب و عقیده‌ای،

اگر با یک فرد دارای بیماری یا بیماریهای مقاربتی بدون رعایت مسائل بهداشتی و از جمله کاپوت، سکس داشته باشد، ریسک خطرناکی کرده و امکان آلوده شدنش وجود دارد.

=====

متأسفیم که نتوانستیم به دیگر سئوالات دوستان جواب دهیم، در شماره آینده هم سعی خواهیم کرد به یکسری سئوالات جواب دهیم.
اگر دوستانی پیدا شوند که بتوانند در یافتن جواب سئوالات خوانندگان، زیر بال سه کاف را بگیرند، خوشحال میشویم که تمایل به همکاری خود را اعلام کنند.

حالات مناسب سکس در دوره بارداری (سؤال شماره ۱۱)

